

تحوالات
منطقه

مزاحمت برای حمایت‌ها از فلسطین

چرا ابتکار صلح ترامپ و نتانیاهو برای غزه، به‌ساهدف صلح طراحی نشده است؟



عکس: AFP

حمایت کنند و به رفع اشغال اسرائیل کمک کنند. این دادگاه همچنین به کلیت مسئله فلسطین و اسرائیل چارچوب تازه‌ای داد، با این نتیجه‌گیری که اسرائیل در حال اجرای نظام آپارتاید در این قلمروهاست، اشغال بدون محدودیت زمانی غزه و کرانه باختری غیرقانونی است و تلاش‌ها برای اجبار فلسطینیان به امتیازدهی تحت اشغال، نامشروع است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نظر دادگاه را اتخاذ کرد و خواستار نشستی بین‌المللی برای پیاده‌سازی این نتیجه‌گیری‌ها شد. در روزهای منتهی به این نشست اخیر، فرانسه و عربستان سعودی، رؤسای مشترک این نشست، تلاش کردند کشورهایی را که فلسطین را به رسمیت نشناخته بودند، تشویق به این کار کنند؛ به‌علاوه، دولت‌های شرکت‌کننده در این نشست با حامی آن، اعلامیه نیویورک را امضا کردند که به «اقدام جمعی برای پایان جنگ در غزه» و «پیاده‌سازی مؤثر راه‌حل دودولتی» و اهدافی دیگر، متعهد می‌شود. امضاکنندگان ضمناً موافقت کردند از این اهداف «در فرایندی بازمان‌بندی مشخص» حمایت کنند.

رونمایی از برنامه ایالات متحده و اسرائیل، مانعی بر سر راه این تلاش‌ها شد. هدف اعلامی این برنامه، رسیدن به آتش‌بسی دائم در غزه است، اما اولویت اصلی آن، خلع سلاح فلسطینیان و نظامی‌زدایی از غزه است، به جای اجرای قوانین بین‌الملل و حمایت از حق حاکمیت و استقلال فلسطینیان. وقتی این اولویت برنامه اجرایی شود، برای بازه زمانی نامعلومی، هدف تازه این خواهد بود که غزه توسط «هیئت صلح» با رهبری ترامپ توسعه یابد؛ هیتی که سرمایه‌گذاری و مسائل اقتصادی را در این نوار مدیریت خواهد کرد.

در واشنگتن، مشترک‌آن را اعلام کردند. دبیرکل سازمان ملل متحد و بیشتر کشورهای عربی، شامل تشکیلات خودگردان فلسطین، از تلاش‌های رئیس‌جمهور استقبال کردند، بدون اینکه نسبت به مواد مشخص این برنامه‌پذیرشی اعلام کنند.

حمایت بی‌چون‌وچرای آن‌ها، مشکل‌ساز می‌شد. سازمان ملل متحد و نشستش، پیشبرنده استقلال و حق حاکمیت فلسطینیان را هدف گرفته بودند، در راستای نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، آی‌سی‌جی و قوانین بین‌المللی. برعکس این‌ها، برنامه ایالات متحده، مسئله را به عنوان تندروی فلسطینیان چارچوب‌دهی می‌کند و می‌گوید این موضوع نیازمند طرف‌سومی است که مدیریت امور غزه را به دست گیرد، لاقلاً برای دوران حداقلی که مدت آن تعیین نشده و تاوقتی که اصلاح نهادهای فلسطینی ممکن باشد. اگر بناسات آتش‌بس دائم و راه‌حل دودولتی شانس‌ی داشته‌باشند، سازمان ملل متحد و سهامداران کلیدی ماجرا باید با ایالات متحده کار کنند تا بازبینی قابل‌توجهی روی این برنامه شود، به این جهت که هماهنگی بیش‌تری با قوانین بین‌المللی داشته‌باشد. ناکامی در این کار، رنج را در غزه طولانی‌تر خواهد کرد، منطقه را محکوم به درگیری و بی‌ثباتی بیش‌تر خواهد نمود و ایالات متحده و دیگر سهامداران را تا مشغول خاورمیانه نگاه خواهد داشت، بدون اینکه پایانی برای این وضعیت مشخص باشد.

هدف نشست سازمان ملل این بود که اثری عملی برای نظر مشورتی آی‌سی‌جی مربوط به ژوئیه ۲۰۲۴ ایجاد کند. این نظر از دولت‌ها می‌خواست از حق تعیین سرنوشت فلسطینیان در غزه و کرانه باختری، شامل اورشلیم شرقی [بیت‌المقدس شرقی]



CARNEGIE
ENDOWMENT FOR
INTERNATIONAL
PEACE



زها حسن

کارشناس مسائل اسرائیل و فلسطین
و وکیل حقوق بشری فلسطینی

در حالی که جنگ غزه وارد سومین سالش می‌شود، سازمان ملل متحد، هشتادمین سالگردش را با میزبانی نشستی درباره راه‌حل دودولتی گرمی داشت. این جلسه که در نیویورک برگزار شد، رسماً نشست بین‌المللی سطح بالا برای تعیین تکلیف صلح‌آمیز مسئله فلسطین و پیاده‌سازی راه‌حل دودولتی، نام داشت و هدفش، برقراری شتاب برای اقدام جمعی و منفرد دولت‌ها بود، هم در حمایت از آتش‌بس دائمی در غزه و هم در حمایت از حق تعیین سرنوشت برای فلسطینیان. گروهی از کشورها، کشوربودن فلسطین را پیش و حین این نشست سازمان ملل متحد به رسمیت شناختند، حالا نزدیک به ۱۶۰ کشور فلسطین را به رسمیت می‌شناسند، شامل چهار عضو از پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد. کشورهایی دیگر هم اشکال مختلفی از تحریم اقتصادی و محدودیت فروش سلاح به اسرائیل را اعلام کردند. به‌علاوه، درست پیش از نشست، کمیسیونی از سازمان ملل متحد تأیید کرد که اسرائیل، مسئول نسل‌کشی جاری در غزه و پاکسازی قومی در کرانه باختری است.

اما چندروز بعد، توجهات بین‌المللی به سمت برنامه صلح تازه‌ای برای غزه با ۲۰ ماده کشیده شد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در دیدارشان

روایت
رسانه

مخالفت متحدان نتانیاهو با برنامه ترامپ

گفت‌وگوها درباره برنامه او بتوانند پیش بروند، روندی که با مذاکرات غیرمستقیم بین اسرائیل و حماس بر سر آزادی گروگان‌های باقیمانده، در تفرجگاه شرم‌الشیخ مصر در نزدیکی دریای سرخ برگزار می‌شود، نتانیاهو شروع این برنامه را با آزادی گروگان‌ها در قبال زندانیان فلسطینی می‌بیند. از ۴۸ گروگان باقیمانده در غزه، تصور می‌شود که ۲۰ نفر هنوز زنده‌اند. مرحله بعدی این روند بر خلع سلاح حماس و نظامی‌زدایی از غزه تمرکز خواهد داشت.

اما روز شنبه، بتسالال اسمورتیچ گفت توقف حملات در غزه، «اشتباهی فاحش» خواهد بود. او گفت این کار در طول زمان، موضع اسرائیل را در مسیر آزادی گروگان‌ها، نابودی حماس و اجرای فرایند نظامی‌زدایی از غزه تضعیف خواهد کرد. احزاب بن‌گویبر و اسمورتیچ، ۱۳ کرسی از ۱۲۰ کرسی کنست را در اختیار دارند. این دو حزب مدت‌هاست به نتانیاهو فشار می‌آورده‌اند، اهدافی فراگیر را بی‌بگیرد که به نظر دست‌نیافتنی می‌رسد. اگر هر دوی آن‌ها از دولت خارج شوند، این رویه احتمالاً انتخاباتی تازه را کلید خواهد زد. شوش بدروسیان، سخنگوی دولت اسرائیل در روز یکشنبه به خبرنگاران گفت، ارتش، به تعبیر او، «برخی بمباران‌ها» را متوقف کرده است، اما هیچ آتش‌بسی در حال اجرا نیست. او گفت ارتش به اقدام در جهت «اهداف دفاعی» ادامه خواهد داد. علی‌رغم درخواست ترامپ برای توقف بمباران، حملات اسرائیل به غزه در روزهای پایانی هفته، ده‌ها فلسطینی را کشت.

نتانیاهو این برنامه را به عنوان تلاشی مشترک نمایانده است

اگر وزرای راست‌گرا بر این باور باشند که نتانیاهو برای پایان جنگ بیش از حد امتیاز داده است، ممکن است ائتلاف حاکم او، راست‌گراترین دولت در تاریخ اسرائیل، یک سال پیش از انتخابات بعدی که بنا بوده در اکتبر ۲۰۲۶ برگزار شود، فرو پاشد؛ اما اصرار بر جنگ بیش‌تر، مخالفت خانواده‌های گروگان‌هایی را که هنوز در اختیار شبه‌نظامیان در غزه هستند، بر خواهد انگيخت و ممکن است افکار عمومی خسته از جنگ اسرائیل را بیش از پیش از دولت بیگانه کند و همین‌طور متحدان بین‌المللی اسرائیل را.

ادامه درگیری ممکن است امیدهای اسرائیل را به این هم‌نامید کند که کشورهای عرب و مسلمان بیش‌تری به پیمان‌های ابراهیمی بپیوندند، کشورهایی مثل عربستان سعودی یا اندونزی. پیمان‌های ابراهیمی، مجموعه‌ای از توافقات با حمایت ایالات متحده هستند که روابط را بین اسرائیل و چندین کشور عرب عادی کردند. گسترش این پیمان‌ها، از اولویت‌های ترامپ بوده است، در مسیری که در آن دولت ترامپ، پیگیر منافع خود در خاورمیانه است؛ اما ریاض تصریح کرده است، تا زمانی که جنگ غزه متوقف نشود و مسیری برای تشکیل کشور فلسطینی در کار نباشد، روابطش را با اسرائیل عادی نخواهد کرد. ترامپ از اسرائیل خواسته بمباران غزه را متوقف کند تا



REUTERS

نتانیاهو از برنامه ۲۰ ماده‌ای ترامپ برای پایان جنگ استقبال کرده است. این طرح خواستار نظامی‌زدایی از غزه می‌شود و هر گونه نقش حکمرانی را برای حماس در آینده رد می‌کند، گرچه به اعضای آن اجازه می‌دهد، در صورتی که خشونت را ترک کنند و سلاح‌هایشان را تسلیم کنند، بمانند. حماس هم واکنش مثبتی نشان داده است و بخش‌هایی از برنامه ترامپ را پذیرفته است. این گروه گفته آماده است برای آزادی گروگان‌ها مذاکره کند و بخشی از «چارچوب ملی فلسطینیان» خواهد بود، در فرایند رسیدگی به آینده غزه. اما این ایده که حماس بتواند همچنان وجود داشته‌باشد، چه رسد به اینکه در موضع ادامه بحث بر سر برنامه غزه پس از آزادی گروگان‌ها باشد، شرکای راست‌گرای ائتلاف نتانیاهو را خشمگین کرده است. ایتمار بن‌گویبر، وزیر امنیت ملی اسرائیل گفته است: «نمی‌توانیم تحت هیچ شرایطی با سناریویی موافقت کنیم که در آن، همان سازمان تروریستی که بزرگ‌ترین چاقه را بر سر اسرائیل آورد، احیا شود. ما به‌هیچ‌وجه شریک چنین چیزی نخواهیم بود.» او در پستی در شبکه اجتماعی ایکس این موضوع را نوشته و عملاً تهدید به خروج از دولت کرده است.

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



اهمیت فرمان ترامپ درباره قطر

ترامپ روز ۲۹ سپتامبر، فرمانی اجرایی امضا کرد، با عنوان «تضمین امنیت کشور قطر». این فرمان «اتحاد بادوام» بین ایالات متحده و قطر را به رسمیت می‌شناسد و تضمین امنیتی صریحی داد که در صورت «حمله خارجی» اعمال خواهد شد.

تضمین امنیتی صریح این دستور، برای هیچ کشور عربی سابقه نداشته است و این روابط قطر و آمریکا را به میزان قابل‌توجهی عمیق‌تر می‌کند. این تضمین، امنیت قطر را مستقیماً به منافع امنیت ملی ایالات متحده گره می‌زند. این دستور برنامه‌های اقتضایی مشترک بین ایالات متحده و قطر را هم به عنوان بخشی از واکنش هماهنگ به «هر گونه تهاجم خارجی» علیه قطر، برجسته می‌کند. در سال ۲۰۲۲، دولت بایدن پس از همکاری قطر در فرایند تخلیه افغانستان، قطر را در جایگاه متحد همه غیرناتویی قرار داد و این دستور حالا، ارتقایی مهم از این جایگاه است. ایالات متحده همچنان روابط امنیتی محکمی با دیگر شرکای عرب، از قبیل بحرین، مصر، اردن و عربستان سعودی دارد، اما هیچ کدام از این کشورها، از تضمین امنیتی صریح از ایالات متحده بهره‌مند نیستند. عربستان سعودی به دنبال پیمان دفاعی متقابل با ایالات متحده بوده است و این در ابتدا به عنوان بخشی از گفت‌وگوهای عادی‌سازی روابط با اسرائیل پی گرفته شد، اما تلاش‌ها برای رسیدن به این توافق به‌توقف رسیده‌اند. علت‌دستور در این مقطع زمانی این بود: این دستور همزمان شد با دیدار بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در اتاق بیضی کاخ سفید، با رئیس‌جمهور ترامپ. به نظر می‌رسد این اقدام، بخشی از تلاشی گسترده از سوی رئیس‌جمهور ترامپ‌باشد، جهت جبران مفات پس از حمله ۹ سپتامبر اسرائیل به دوحه؛ البته قطر در ماه ژوئن هدف موشک‌های ایران نیز قرار گرفت. رئیس‌جمهور ترامپ همچنین هدایت‌عذرخواهی اسرائیل از قطر را هم پیش برد. این عذرخواهی از سوی نخست‌وزیر نتانیاهو، در اتاق بیضی و در تماسی تلفنی با محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، نخست‌وزیر قطر انجام شد. این عذرخواهی، راه را هموار کرد تا قطر دوباره به عنوان میانجی‌ فعالیت کند و خود رئیس‌جمهور هم برای انتقال برنامه ۲۰ ماده‌ای صلحش به حماس، کار را به رهبران در دوحه سپرد. این برنامه، موضوع اصلی دیدارش با نتانیاهو بود. این دستور، در فضای نظامی چندقطبی و در حال ظهور در خاورمیانه صادر شده است و در این نظم جدید بناسات خلیج [فارس] «مرکز ثقل» تازه باشد. در وهله اول، این اقدام، تعمیق روابط دولت ترامپ با قطر و ارزشی را که دولت بر نقش میانجیگری قطر می‌گذارد، برجسته می‌کند. این دستور قطر را به عنوان «متحدی استوار» توصیف می‌کند، بر تلاش‌های میانجیگرانه قطر تأکید می‌کند و به وزیر خارجه ایالات متحده دستور می‌دهد شرکت در زمینه میانجیگری را با قطر ادامه دهد. این به رسمیت شناختن صریح نقشی است که قطر برای خودش فراهم کرده، نقشی که بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر در حوزه خلیج [فارس] جهت کاهش تنش در منطقه است. به‌علاوه، این اقدام نقش قطر را به عنوان واسطه اصلی با حماس مورد تأیید قرار می‌دهد. این نقشی است که در گذشته برای قطر جنجال و مسئله آفریده بود. دوم، این دستور اسرائیل را از هر گونه حمله بیش‌تر به قطر باز می‌دارد. به نظر می‌رسد نخست‌وزیر نتانیاهو در عذرخواهی‌اش، جایی برای تفسیر درباره حملات آینده باقی گذاشت، وقتی گفت «اسرائیل هیچ برنامه‌ای برای نقض دوباره حق حاکمیت قطر در آینده ندارد.» ادبیات قاطع این دستور، هر گونه حمله به قطر را به عنوان تهدیدی برای ایالات متحده می‌بیند و عملاً این احتمال را از بین می‌برد که اسرائیل راهی برای خلف وعده بیابد. در نهایت، تضمین امنیتی آمریکا به قطر پس از اعمال پیمان دفاع متقابل بین عربستان سعودی و پاکستان صادر شده است. این پیمان، البته سال‌ها در دست مذاکره بود اما انعقاد آن، به‌فاصله کمی پس از حمله اسرائیل، نگرانی‌های فراینده در حوزه خلیج فارس را درباره اتکالپذیری آمریکا به عنوان تضمین‌کننده امنیتی برجسته می‌کند. در خاورمیانه‌ای که روزبه‌روز بیش‌تر چندقطبی است، پیمان سعودی پاکستانی تمایل عربستان سعودی را به تنوع‌بخشی در شرکات‌های امنیتی‌اش و دوری از اتکال سنگین به آمریکا نشان می‌دهد. دستور ترامپ، با آگاهی این اتحادهای در حال تغییر، احتمالاً این هدف را هم دارد که خیال شرکای نگران این منطقه را راحت کند که ایالات متحده، تهدیدات علیه امنیت آن‌ها را جدی می‌گیرد.